

تبیین آثار سیاست‌های تمرکززدایی در توسعه سکونتگاه‌های

روستایی (مطالعه موردی: استان قزوین)

ولی‌الله نظری^۱ - استادیار مدعو گروه شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی قزوین

محمد غلامی - مربی گروه جغرافیای دانشگاه پیام نور لامرد

دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۶/۲۵ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۳/۲۸

چکیده

استان‌های جدید در کشور از یک سو به دلیل افزایش جمعیت و تمرکز آن در نقاط مختلف استان‌های بزرگ و از سوی دیگر به سبب نارضایتی مردم یک شهرستان و محرومیت آن‌ها از خدمات لازم ایجاد می‌شوند. بر این اساس، استان قزوین در سال ۱۳۷۶ در نقشه سیاسی ایران متولد گردید. اعمال سیاست‌های تمرکززدایی از یک طرف حاکی از واگذاری اختیارات به حکومت‌های محلی است و از طرف دیگر تداعی کننده خلق فرصت‌ها برای زیربخش‌های تقسیمات کشوری تا بتوانند از فرصت‌های به دست آمده در جهت رشد کمی و کیفی سکونتگاه‌های روستایی بهره ببرند. مقاله حاضر به تبیین سیاست‌های تمرکززدایی در سکونتگاه‌های روستایی استان قزوین می‌پردازد و تلاش می‌کند به این سؤال پاسخ دهد که سیاست‌های تمرکززدایی در ایران چه آثاری بر ساختار کلی روستاهای استان قزوین ایجاد کرده است. بدین جهت، در پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از گویه‌های تبیین‌کننده اداری و مالی و سیاسی، در قالب طیف لیکرت، و با بهره‌گیری از روش پانل گذشته‌نگر، مبتنی بر سنجش نگرش در دو دوره قبل و بعد از استان شدن، با استفاده از فرمول کوکران و به روش تصادفی طبقه‌ای اطلاعات جمع‌آوری شد. چهل و پنج مدیر اجرایی، شامل دهیاران و شوراهای اسلامی، از چهل و پنج روستا، در سطح پنج شهرستان استان قزوین برای این کار انتخاب شدند که نشان‌دهنده جامعه نمونه تحقیق هستند. البته باید اشاره کرد، بعد از استان شدن قزوین، در سکونتگاه‌های روستایی توانمندی‌هایی به وجود آمد که نشان می‌دهد اگرچه سیاست‌های تمرکززدایی توانسته زمینه رشد و ترقی روستاها را پدید آورد، این سیاست‌ها از منظر کارشناسان و مسئولان محلی، آثار متفاوت داشته است. با وجود این، سیاست‌های تمرکززدایی در استان قزوین شتاب‌دهنده توسعه روستایی قلمداد شد و زمینه را برای افزایش مشارکت مسئولان محلی و مردم فراهم آورد.

کلیدواژگان

استان قزوین، خلق فرصت‌های جدید روستایی، سکونتگاه‌های روستایی، سیاست‌های تمرکززدایی.

مقدمه

فضای جغرافیایی از یک سو عرصه فرمانروایی و اعمال اراده سیاسی حکومت و تجلیگاه آرمان‌ها و ارزش‌های ایدئولوژیک است و از سوی دیگر حکومت مسئولیت اداره و تنظیم و تنسيق امور آن را به عهده دارد و متناسب با مقتضیات و شرایط آن و همچنین دینامیسم فضای مربوطه سیاست‌ها و نظام تصمیم‌گیری خود را شکل می‌دهد. تحقق فرایندهای مزبور، یعنی اعمال اراده سیاسی بر فضا و مردمان آن، مدیریت امور فضا، تأثیرپذیری سیاست‌ها از مقتضیات، و دینامیسم فضا با الگوهای سلسله‌مراتبی مدیریت سیاسی فضا ارتباطی نزدیک دارد.

فضا در جغرافیا عبارت است از بخشی از سطح زمین که انسان‌ها در آن ساکن می‌شوند و ساختار زندگی اجتماعی در آن تحقق می‌یابد (حافظنیا و همکاران، ۱۳۸۹، ۷۹). با این برداشت از فضا در جغرافیا، می‌توان دریافت که فضا با پراکندگی سکونتگاه‌ها ارتباط مستقیم دارد. به همین دلیل است که با توسعه سکونتگاه‌ها و افزایش جمعیت موضوع ارتقای سیاسی فضا هم، بر حسب ضرورت، شکل می‌گیرد و بر رشد و ترقی سکونتگاه‌ها، از نظر ابعاد سیاسی و اقتصادی و ... تأثیر می‌گذارد. از آنجا که سازمان سیاسی تولیدکننده فضا محسوب می‌شود (شکویی، ۱۳۷۴، ۳۶۰)، ارتقای مدیریت سیاسی یا تغییر سطوح مدیریت سیاسی فضا با توسعه سکونتگاه‌های روستایی نیز رابطه‌ای مستقیم دارد.

شایان ذکر است که زدودن فقر و کاهش محدودیت‌ها در جوامع روستایی باید با سیاست‌های تمرکززدایی در جوامع همراه باشد؛ با این هدف که بتواند در ساختار کلی مدیریت سرزمین تحول جدی ایجاد نماید و سکونتگاه‌های روستایی را، به منزله یکی از کانون‌های جذب و فعالیت بشری، از انزوای سیاسی و اقتصادی خارج نماید. در زمینه مدیریت سرزمین، مسائل مهمی چون کاهش فقر، ارائه عادلانه خدمات، کنترل بهتر سرزمین، افزایش رضایتمندی مردم، و ... مطرح است.

بنابراین، می‌توان اظهار کرد که سکونتگاه‌های روستایی، به منزله فضای زیست در پهنه جغرافیایی یک کشور، توان ایجاد تغییرات را دارند و این مهم در سایه اقدامات مؤثری چون تغییر سطوح مدیریت سیاسی فضا قابل اجراست؛ که نشان‌دهنده نوعی تمرکززدایی است. در این فرایند انواع سیاست‌ها را می‌توان اجرا کرد. همچنین، با تغییر نگرش دولت‌های مرکزی به سکونتگاه‌ها، این عرصه‌ها از جهات مختلف تغییر می‌کنند و زمینه رشد و ترقی آن‌ها فراهم می‌گردد. از طرف دیگر، با رشد جمعیت در سکونتگاه‌ها و نارضایتی مردم از نوع ارائه

خدمات به شهروندان، لزوم تغییر مدیریت سیاسی فضا احساس می‌شود و زمینه برای اجرای آن فراهم می‌گردد.

در این تحقیق به مسائل مهمی در زمینه مدیریت سیاسی فضا و سکونتگاه‌های روستایی توجه شده است؛ که توانایی ایجاد تغییرات را در ساختار کلی مدیریت سرزمین دارند. با عنایت به تغییرات سیاسی مهمی که در فضای جغرافیایی و مدیریت سیاسی شهرستان قزوین صورت گرفته (در سال ۱۳۷۶ این شهرستان به استان ارتقا یافت) می‌توان عرصه‌های روستایی را یکی از کانون‌های مطالعاتی برای شناخت این نوع تغییرات به‌شمار آورد. با این هدف، تحقیق حاضر در پی تغییر مدیریت سیاسی فضا در پهنه استان تازه‌تأسیس قزوین است و به این منظور سکونتگاه‌های روستایی را به‌دقت مطالعه کرده است. تغییرات سیاسی، اداری، اقتصادی، اجتماعی، و کالبدی از عوامل بسیار مهم و اثرگذار در عرصه‌های روستایی محسوب می‌شود؛ زیرا، با افزایش میزان تغییرات در سطح مدیریت سیاسی فضا و نیز نوع تغییرات و میزان آن، می‌توان دگرگونی‌هایی وسیع را در این عرصه شاهد بود. به‌نظر می‌رسد ظرفیت‌سازی‌های جدید اجتماعی، اقتصادی، و فضایی- کالبدی مهم‌ترین پیامدهای ارتقای سیاسی مدیریت فضا در سطح سکونتگاه‌های روستایی است. در ایران، به منظور دستیابی به توسعه روستایی، از ابزارهای گوناگون استفاده می‌شود و اقدامات متعدد به‌اجرا درمی‌آید (شاطریان و گنجی‌پور، ۱۳۸۹، ۲)؛ که یک نمونه از آن را در فرایند تمرکززدایی می‌توانیم شاهد باشیم.

پیشینه پژوهش

اهم پیشینه تحقیق حاضر در جدول ۱ آمده است. مشاهده می‌شود که همه تحقیقات تمرکززدایی و آثار آن را در عرصه‌های سکونتگاهی واکاوی کرده‌اند.

مبانی نظری تبیین‌کننده تمرکززدایی در توسعه روستایی

در خلال دهه ۱۹۵۰ در بیشتر کشورهای در حال توسعه نوعی برنامه‌ریزی متمرکز آغاز شد. عواملی چند گرایش به برنامه‌ریزی متمرکز و تشکیلات اداری کنترل- بنیاد^۱ را تقویت کرد.

1. control-oriented

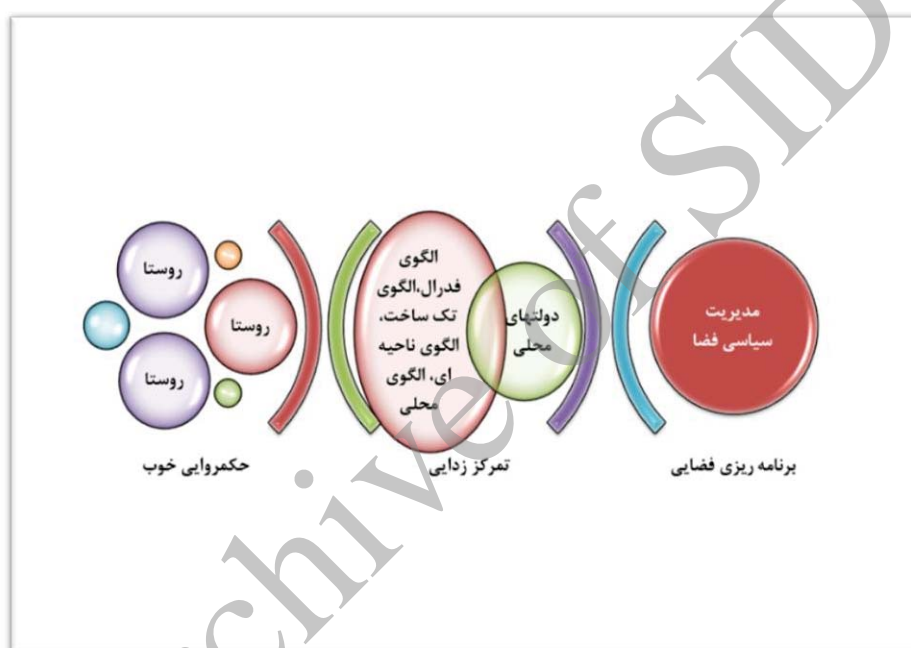
جدول ۱. اهمّ پیشینه تحقیق

محتوا	نام تحقیق	محقق
تمرکززدایی و فقر، روش‌های کاهش فقر روستایی، توسعه روستایی، راهکارهای تمرکززدایی	DECENTRALISATION AND POVERTY IN DEVELOPING COUNTRIES EXPLORING THE IMPACT (2005)	Johannes Jütting, Céline Kauffmann, Ida Mc Donnell Holger Osterrieder, Nicolas Pinaud and Lucia Wegner
بررسی تمرکززدایی در غنا به منزله یک کشور فقیر صحرای افریقا، انواع تمرکز، انواع تمرکززدایی در کشور غنا، توسعه روستایی یکپارچه و تمرکززدایی	THE ROLE OF DECENTRALIZATION AND INTEGRATED RURAL DEVELOPMENT IN GHANA'S DEVELOPMENT (2006)	Phyllis M. Kodi
برنامه توسعه بخشی، کارگروه مطالعاتی تمرکززدایی، دولت محلی، مشارکت محلی در تمرکززدایی، اهداف و برنامه‌های توسعه محلی و ملی با توجه به تمرکززدایی، استراتژی‌های کاهش فقر روستایی، نقش سازمان‌های غیر دولتی در توسعه نواحی و روستاها، ارزیابی و پایش مداوم برنامه‌های تمرکززدایی به جهت تأثیرات مثبت در توسعه نواحی و کاهش فقر روستایی	DECENTRALIZATION AND DISTRICT DEVELOPMENT (2005)	Jacob Massuanganhe

غالباً امکانات اداری در سطح محلی کافی نبود. واحدهای محلی دولتی و ادارات از نظر مالی و تکنولوژیکی به دولت مرکزی وابسته بودند. بسیاری از کشورها درگیر اختلافات شدید قومی و مذهبی و فرهنگی بودند و این موضوع دولت‌ها را وادار می‌کرد در اعطای خودمختاری محلی بیشتر احتیاط کنند.

پس از مدتی، اداره‌کنندگان این کشورها دریافتند برنامه‌ریزی متمرکز کارایی لازم را ندارد. دلایل بسیاری باعث موفق نشدن این برنامه‌ریزی شد. تا حدودی، به علت عدم تشکل میان افراد ذی‌نفع، آن دسته از برنامه‌های توسعه، که هدف آن‌ها برابری بود، با موفقیت اجرا نشدند (آسایش، ۱۳۷۴، ۱۲۳). در خلال دهه ۱۹۷۰ نظام برنامه‌ریزی پایین به بالا و تشکیلات غیر متمرکز جایگزین برنامه‌های رایج گردید. شالوده اصلی تمرکززدایی اعطای استقلال به واحدهای محلی است؛ به گونه‌ای که آن‌ها بتوانند در امور محلی خود با عنایت به اقتضائات ویژه آن به رای‌زنی، گفت‌وگو، تصمیم‌گیری، و مدیریت

راهبردی بپردازند (گرچی از ندریانی، ۱۳۷۷، ۹۲). وجه قالب تغییرات مدیریت سیاسی فضا می‌تواند به شکل‌گیری و ایجاد استان‌های تازه تأسیس، با رویکرد برنامه‌ریزی فضایی، از طریق اجرای سیاست‌های تمرکززدایی- در قالب ایجاد دولت‌های محلی یا الگوهای فدرال، تک‌ساخت، ناحیه‌ای، و محلی به شیوه مدیریت مبتنی بر حکمروایی خوب- کمکی شایان نماید؛ که این امر ارتباط میان تمرکززدایی و سطح ارتقای واحدهای سیاسی را هم نشان می‌دهد و بر این اساس، همان‌طور که شکل ۱ نشان می‌دهد



شکل ۱. الگوی نظری تبیین‌کننده ارتقای مدیریت سیاسی فضا

دولت‌های مرکزی همواره، در همه کشورهای جهان، مسئولیت تأمین خدمات مناسب و مورد نیاز را برای سطوح محلی بر عهده دارند. با وجود این، در سطوح محلی همواره نیازهایی وجود دارد که دولت مرکزی باید آن‌ها را تأمین کند. اداره و مدیریت این فرایند هم بر عهده دولت مرکزی است که همیشه به شکلی نامناسب آن را انجام می‌دهد. بر این مبنای تصمیم‌گیران سیاسی در سطوح ملی بر این باورند که بهتر است اختیارات و مسئولیت‌ها به سطوح محلی واگذار شود تا مناطق تحت کنترل دولت مرکزی و نواحی شهری و روستایی به نحو احسن از خدمات مناسب و فرصت‌های برابر برخوردار

گردند. بر این اساس، سیاست‌ها و راهبردهای گوناگونی برای کاستن آثار منفی و پاسخ به نیازهای زندگی در سکونتگاه‌های شهری و روستایی در کشورها و از جمله در ایران در پیش گرفته شده است (توسعه شهر و ارتقای روستاها) که راهگشای معضلات سکونتگاه‌های روستایی هم به‌شمار می‌رود (رضوانی، ۱۳۸۹، ۲) و در حقیقت تأیید نظریه تمرکززدایی است؛ زیرا در تمرکززدایی اختیارات مهمی از دولت مرکزی به دولت محلی انتقال می‌یابد که زمینه‌ساز تحول و توسعه است.

با این مقدمه، تمرکززدایی عبارت است از فرایندی که در آن دولت مرکزی، به‌تدریج، با هدف توسعه و ایجاد تحول، قدرت سیاسی و مسئولیت‌ها و منابع مالی را به دولت‌های محلی واگذار می‌کند. در این فرایند دولت‌های محلی از اختیارات و منابع لازم برای ارائه خدمات عمومی به مردم محلی برخوردار می‌گردند (Henry, 2009, 5). به باور دنیس، تمرکززدایی عبارت است از انتقال یا واگذاری قدرت و اختیار برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری و مدیریت به کارگزاری‌های وابسته، سازمان‌های میدانی، واحدهای تابعه دولت، شرکت‌های عمومی نیمه‌مستقل، مقامات محلی، مقامات اجرایی، یا سازمان‌های غیر دولتی (Dennis, 2009, 12). در اغلب کشورهای در حال توسعه گرایش برنامه‌ریزان به تمرکززدایی اداری به اتخاذ راهبردهایی انجامیده که تبدیل روستا به شهر نمونه‌ای از آن در مفهوم تمرکززدایی است (بدری، ۱۳۹۱، ۱). با این نگرش به‌کارگیری رویکردهای تمرکززدایی در کشورهای مختلف جهان یک ضرورت به شمار می‌رود و کشورها برای تأمین خدمات لازم در مدیریت سرزمین خود و اجرای سیاست‌های تمرکززدایی در تلاش‌اند. بر این اساس، باید اشاره کرد امروزه پرداختن به مباحث تمرکززدایی، با توجه به شرایط مکانی و زمانی، در کشورهای مختلف جهان امری اجتناب‌ناپذیر است. بر این پایه، منطقی است که فاکتورهای مهمی از قبیل کم‌رنگ‌شدن نقش عامل مرکزیت در برنامه‌ریزی و فرایند توسعه ملت‌ها بعد از دهه ۱۹۸۰، پررنگ‌شدن نقش بُعد محلی در توسعه مناطق و فضاهای سرزمین و استفاده از ظرفیت آن در ترفیع اهداف ازپیش‌تعیین‌شده، جست‌وجو برای به‌دست‌آوردن حداکثر کارایی خدمات تحویل‌شده در جامعه از سوی مردم، ضرورت‌های جهانی استفاده از برنامه‌های تمرکززدایی و دولت محلی به شکل ارائه دولت‌های دموکراسی، افزایش رویکردهای توسعه مشارکت در جوامع، و برنامه‌ریزی محلی و منطقه‌ای برای توسعه متوازن و کاهش فاصله فضایی در سرزمین ضرورت درگیرشدن کشورها را در تمرکززدایی تقویت کند. بر این اساس، بعد از دهه ۱۹۸۰ و به‌خصوص دهه ۱۹۹۰، در کشورهای مختلف جهان موج جدیدی از تمرکززدایی شکل گرفت که توانست نقش اساسی

خود را، به شکلی بارز، در قالب انواع دولت‌های محلی و کارکردهای آن در جوامع نشان دهد. در نتیجه، این امر توانست توسعه را در قالب امکان دسترسی برابر مردم به امکانات در قالب محل‌گرایی تقویت کند (Awal, 1977, 4). با این دیدگاه، به‌طور یقین فرایند تمرکززدایی و اجرای آن برای برنامه‌ریزان و مردم محلی منافع و خطرهایی را در پی خواهد داشت. این منافع و خطرها بر محل و توسعه محلی تأثیر مستقیم دارد و بر کارایی و اثربخشی برنامه‌ها نیز تأثیر می‌گذارد. جدول ۲ این منافع و خطرهای را نمایش می‌دهد.

جدول ۲. منافع و خطرهای تمرکززدایی

منافع	خطرها
بهبود ارائه خدمات عمومی به مردم محلی	ناهماهنگی در ظرفیت‌های محلی
گسترش دموکراتیک دولت در محل	فرمانبرداری ناقص در محل
بهبود عدالت و توسعه	ناهماهنگی در اختیارات قانونی محل‌ها
کاهش فقر	عدم پشتیبانی از رویه‌های مرکزی در توسعه محلی

Source: (Corsi, 2009, 7)

با مشخص شدن میزان نقش تمرکززدایی در خلق یک دولت محلی، باید به ساختار دولت محلی هم توجه کرد. این موضوع، به طور مجزا، در قسمت توضیحات دولت محلی ارائه خواهد شد. تمرکززدایی براساس مطالعات جهانی و داخلی اصولاً در چهار شکل قابل بررسی است. هر یک از این شکل‌ها نیز، با توجه به نوع و ویژگی‌های خود، قابل تأمل است؛ زیرا در ساختار اداری و سیاسی کشورهای متعدد جهان قابل اجراست و می‌توان آن‌ها را در بحث‌های مدیریت سیاسی و تغییر سطوح مدیریت سیاسی فضا، که رابطه‌ای بسیار نزدیک با تمرکززدایی دارد، به مرحله کارکردی نزدیک و نتایج درخشانی از آن استحصال کرد. بر این اساس، انواع تمرکززدایی در سه نوع بررسی می‌شود (Awal, 1977, 14):

۱. تمرکززدایی سیاسی: عبارت است از انتشار قدرت تصمیم‌گیری جمعی بین مردم یک جامعه و ایجاد دموکراسی لازم برای همه؛
۲. تمرکززدایی اداری: عبارت است از واگذاری اختیارات و مسئولیت‌ها و منابع به دولت‌های محلی در سطح یک جامعه و کم کردن نقش اداری دولت مرکزی برای بهبود شرایط اداری. این نوع تمرکززدایی سه شکل متفاوت دارد: عدم تمرکز، نمایندگی، انتقال و واگذاری؛

۳. تمرکززدایی مالی: عبارت است از توزیع منابع مالی بین سطوح دولت‌های محلی برای دسترسی بهتر تا بتوان از میزان وابستگی دولت‌های محلی به دولت مرکزی کاست.

تمرکززدایی در انواع سه‌گانه ابعاد مختلفی دارد که هر یک به نحوی در میزان تمرکززدایی مؤثر و کاراست. بر این اساس در قالب طیف‌بندی انواع تمرکززدایی برنامه‌ریزی، سیاست‌های تنظیم‌شده، مدیریت اطلاعات و جریانات، و عملکردها از ابعاد تمرکززدایی اداری، واگذاری و انتقال مسئولیت‌ها از ابعاد تمرکززدایی سیاسی، و خصوصی‌سازی و تأمین منابع مالی در محل از ابعاد تمرکززدایی مالی به‌شمار می‌روند (Paul smoke, 2003: 7). سیاست‌های تمرکززدایی در مدیریت سیاسی فضا نقشی بسیار مهم و کارآمد دارد؛ به‌طوری که تغییر سطوح مدیریت سیاسی فضا در قالب سیاست‌های تمرکززدایی، با شکل‌گیری ایالت‌ها یا استان‌های جدید، به دولت‌های مرکزی در برنامه‌ریزی کمک می‌کند و فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی را هدایت می‌نماید. این سیاست اصولاً بر پایه خدمت‌رسانی به مناطق پایین‌دست است و به رفع نیازهای محلی کمک شایانی می‌کند. در اصل این سیاست برای مشارکت ساکنان محلی در تصمیم‌گیری فرصت‌های مناسب و بهتری فراهم می‌کند. از طرف دیگر راهبردی است که رهبری، خلاقیت، و مسئولیت‌پذیری را در مناطق محلی امکان‌پذیر می‌نماید و موجب پایداری سیاسی و وحدت ملی در کنترل برنامه‌های جمعی در شهر و روستا می‌گردد. این سیاست می‌تواند کارکردها و پیامدهای مطلوبی داشته باشد و به فعال کردن واحدهای استانی در توسعه کشاورزی کمک کند. همچنین محلی کردن فرایند توسعه اقتصادی روستاها را موجب می‌شود و به حمایت از فعالیت‌های مدنی محلی و سازمان‌های غیر دولتی در روستاها منجر می‌گردد. بر این اساس، می‌توان این سیاست را روش اصلی و پیش‌تاز توسعه روستایی به‌شمار آورد؛ زیرا نقشی بالقوه در بهبود طراحی برنامه‌های توسعه روستایی دارد. به همین دلیل، اخیراً برنامه‌های متعددی در کشورهای جهان، با توجه به این سیاست، اجرا شده است (Suzanne, 2004, 9).

سیاست‌های عدم تمرکزگرایی و انتقال تصمیم‌گیری‌ها به سطوح محلی، که در پاره‌ای از کشورهای جهان با تشکیل استان‌ها و ایالت‌های جدید همراه شده است، آثار مفیدی در توسعه و ترویج کشاورزی و قابلیت تحرک منابع دارد. در این زمینه راندینلی با طرح انواع سه‌گانه سیاست‌های عدم تمرکزگرایی - شامل انتقال قدرت به سطوح محلی، تفویض اختیارات به دولت‌های محلی، انتقال اختیارات به بخش‌های خصوصی - آن‌ها را مکمل توسعه

روستایی می‌داند. بر این اساس، راندینلی شکل‌گیری ایالت‌های جدید و اعمال سیاست‌های عدم تمرکزگرایی را موجب افزایش مشارکت روستاییان در برنامه‌های توسعه، شناسایی دقیق‌تر نیازهای محلی، تقسیم قدرت، تقویت اقتصاد محلی، افزایش قابلیت تحرک جوامع روستایی و ارتباط آن‌ها با سطوح بالادست، افزایش ارتباطات عمودی، افزایش احساس قدرت و خوداطمینانی و احساس رضایتمندی می‌داند (Dennis, 2000, 5). وی بر این باور است که این سیاست‌ها قادرند برای مردم روستایی فرصت‌های برابر خلق کنند و موجب بهبود عملکرد توسعه روستایی شوند. بنابراین، وی، با تأکید بر تجربیات جهانی حاصل از اعمال این گونه سیاست‌ها، شکل‌گیری ایالت‌ها و استان‌های جدید را موجب جلوگیری از اتلاف وقت، سرعت بخشی به تحولات روستایی، افزایش توان پاسخ‌گویی در زمینه سیاست‌های حکمروایی می‌داند که در نهایت سبب افزایش رضایتمندی مردم روستایی می‌شود. همچنین در اکثر کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان به تمرکززدایی اداری تمایل پیدا کرده‌اند؛ زیرا نهادهای اساسی دولتی در این کشورها برای مردم و توسعه آن‌ها خلق شده و شکل غالب این پدیده هم در حکمرانی مناسب قابل بررسی و تفهیم است. با این توصیف حکمرانی مناسب در تمرکززدایی و مدیریت سیاسی فضا در شکل ساده خود موجب افزایش قدرت پاسخ‌گویی خواهد شد و زمینه را برای ارائه سرویس‌های مطلوب به مردم فراهم خواهد نمود. وجود ابزار مناسب برای تمرکززدایی ضروری است؛ زیرا برخورداری از یک یا چند راهبرد برای تمرکززدایی امری مهم تلقی می‌گردد و در اصل باید در کشورها به دنبال کشف راهبردها و فواید تمرکززدایی اداری باشیم. تمرکززدایی اداری عملکردهایی دارد که جدول ۳ آن‌ها را نمایش می‌دهد. این ماتریس، که بیانگر مقایسه استانداردهای انواع عدم تمرکز است، به نوع عملکرد دولت‌ها در زمینه عدم تمرکز هم اشاره دارد.

جدول ۳. مقایسه عملکردهای تمرکززدایی اداری

عملکردها	انواع تمرکززدایی اداری
	انتقال واگذاری
برنامه‌ریزی	*
سیاست مالی و خلق منابع	*
تنظیم بودجه و پروژه اجرایی	*
مدیریت اطلاعات	*
عملکرد و نگهداری	*

با تأملی کوتاه بر این ماتریس می‌توان دریافت در کشورهای جهان، با توجه به نوع تمرکززدایی و فضای جغرافیایی و سیاسی، کدام عملکرد یا ترکیبی از کدام عملکردها قابل اجراست؛ تا بر آن پایه بهترین نتیجه در مدیریت اداری برای ارائه خدمات مطلوب به مردم و کاهش فقر، به‌خصوص در نواحی روستایی، صورت پذیرد. از طرفی دیگر، با توجه به نتایج عملی حاصل از گزینه‌های ماتریس فوق، می‌توان به نتایج مهم تمرکززدایی اداری، شامل رشد اقتصادی، افزایش ظرفیت مالی و اداری، و پیشرفت فضایی نواحی و سطوح محلی در کشورها اشاره کرد (Cohen et al., 2004, 7). تمرکززدایی به شکل علمی از دهه ۱۹۸۰ شکل گرفت. در این دوره دولت‌ها برای کاهش تمرکزگرایی سعی وافر نمودند. اگرچه در دهه ۱۹۹۰ هم نظیر این کوشش‌ها وجود داشت، انتقال قدرت به مقامات محلی و تفویض قدرت و اختیارات به شکل گسترده از دهه ۱۹۸۰ شکل علمی به خود گرفت و دولت‌ها تمرکززدایی را روشی مطلوب برای کنترل و مدیریت نواحی گوناگون به شمار آوردند. بر این اساس، دولت‌های مرکزی توانستند، به واسطه نخستین جرقه‌های تمرکززدایی، دو هدف کاهش فقر و افزایش کارایی را در عرصه سرزمین ملی خود مدیریت و تجربه کنند. همه این اهداف با حذف تعصبات شهری و دورنمودن این تعصبات از مقوله توسعه شکل گرفت. این تفکر در توسعه ملی و کاهش اختلافات محلی و ناحیه‌ای بسیاری از کشورها نقشی مؤثر بر جای نهاد و این عمل، در تاریخ تمرکززدایی، به منزله یکی از اصول دموکراسی، توانست نیروی خود را برای توسعه محلی به کار گیرد. رویه‌های تمرکززدایی در ارتباط با توسعه روستایی، از آغاز، دو بخش را به شکل فراگیر به نمایش گذارد:

۱. توزیع جدید مسئولیت‌ها از تمرکزگرایی به سوی تمرکززدایی؛

۲. آزادی اقتصادی از طریق سیاست‌های تمرکززدایی.

از طرف دیگر، تمرکززدایی در مطالعات توسعه ملی شکل گرفت و توانست در توسعه کشورها و به‌خصوص روستاها تأثیرات بسیار مفیدی بر جای گذارد. این موضوع در توسعه مناطق، جهت ایجاد تغییرات بنیادین در بدنه نهادهای دولتی و خصوصی، بسیار مهم است و کشورهای جهان آن را به اشکال گوناگون پی می‌گیرند و هم‌اکنون در ساختار اداری خود درگیر موضوعات اساسی تمرکززدایی و تأثیر آن بر توسعه روستایی‌اند. در زمینه تمرکززدایی، همان‌طور که در بحث‌های عام آن مطرح گردید، تعاریف متعددی وجود دارد. دانشمندی چون پارکر و دیاسن و راندینلی، که به تقسیم‌بندی و بیان آثار این فرایند توجه داشته‌اند، از

صاحب‌نظران بسیار مهم این حوزه به‌شمار می‌روند. همواره مسائل گوناگون چون قدرت تصمیم‌گیری، تصمیم‌گیرندگان، پاسخ‌گویی، شفافیت، استراتژی‌های تمرکززدایی، سازمان‌های اجرایی، دولت محلی، نهادهای عمومی، نهادهای خصوصی، و منافع و خطرهای تمرکززدایی در مطالعات جایگاهی مهم دارند. همان‌طور که اشاره گردید، در کشورهای پیشرفته تمرکززدایی بیشتر بر تفویض اختیارات و مسئولیت‌ها تأکید دارد (Andrew, 2005, 19). در سال‌های اخیر دولت‌های اروپایی، امریکایی، و ... به شکلی آشکارتر واگذاری و تفویض قدرت را در قالب اداری و اصلاحات اداری تأیید کرده‌اند. تمرکززدایی معمولاً در معادلات توسعه روستایی تمرینی اجرایی برای دولت‌هایی است که مایل‌اند برنامه‌ریزی از قالب متمرکز خارج شود و روند آن به محلی‌گرایی نزدیک گردد. در سیاست‌های تمرکززدایی افزایش کارایی و اثربخشی در سطح محلی و توسعه روستایی اهمیت دارد. همچنین، پارکر بر آن است که برنامه‌های تمرکززدایی برای کاهش فقر در نواحی روستایی نقش بسزایی دارد. وی در مقاله‌ای، با نام «Decentralization the way forward for rural development»، توسعه روستایی را، در سطوح محلی، برای کاهش فقر روستاییان و بهره‌مندی مردم از خدمات، لازم و ضروری می‌شمارد. بدین ترتیب که با گسترش برنامه‌های تمرکززدایی در مناطق روستایی بر میزان کارایی این برنامه‌ها در کاهش فقر روستایی افزوده می‌شود. با این تفسیر از فقر و عدم تمرکز، ارتباط تمرکززدایی با فقر خود را در موضوعاتی چون کاهش وابستگی روستاییان به دولت، افزایش کارایی محلی، افزایش توان محلی، و همچنین انتقال قدرت به ناحیه‌ها نشان می‌دهد. چارچوب مفهومی فقر و تمرکززدایی نیز نشان‌دهنده روندهای اثرگذار در روستا و توانمندشدن مردم است. اما باید به این نکته توجه کرد که در تمرکززدایی و توسعه روستایی موضوعاتی چون مشارکت، اقتصاد سیاسی، توانمندسازی، پاسخ‌گویی، و تقاضا در مناطق روستایی بسیار مهم است. با عملی‌شدن فرایند تمرکززدایی در اشکال مختلف، در بسیاری از کشورها شاهد تغییرات مهمی در عرصه توسعه روستایی خواهیم بود؛ از جمله مشارکت در توسعه روستایی، تقویت الگوهای اقتصادی محلی، خلق فرصت‌های برابر برای مردم روستایی، کاهش روندهای بروکراتی، و ... (Phyllis, 2006, 11). دولت محلی، که حاکی از فرایند تمرکززدایی است، در ارتباط با توسعه روستایی، از گذشته تاکنون، خدمات متمایز و مهمی را در کشورهای متعدد جهان به‌وجود آورده است. مهم‌ترین مسائل موجود در ارتباط با دولت محلی و توسعه روستایی در جدول ۴ آمده است.

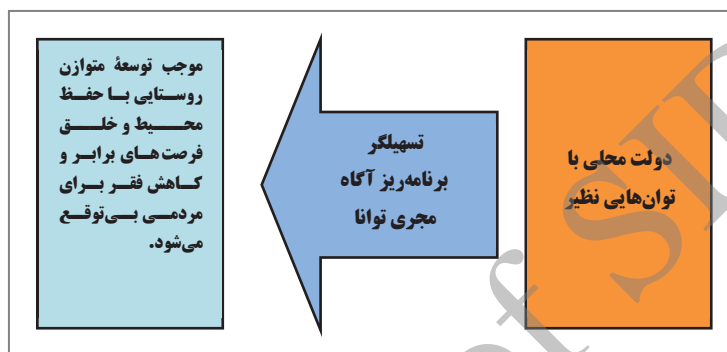
جدول ۴. مسائل مهم در ارتباط با دولت محلی و توسعه روستایی

مسائل مهم در ارتباط با دولت محلی و توسعه روستایی	نتیجه نهایی هر دو
تغییر مدیریت روستایی در دولت محلی	اصلاح ساختارها
شکل‌گیری مشارکت شهروندی	مردم تأثیرگذارند
افزایش روحیه تعاون و همکاری در روستاها	اتحاد مردم
پایداری فضاهای روستایی	رشد متوازن
محلی کردن توسعه روستایی	توسعه برابر
شکل‌گیری سازمان‌های محلی در ارتباط با توسعه روستایی	نهادینه کردن
ایجاد فرصت‌های برابر توسعه روستایی	توجه به ظرفیت‌ها
فعال‌شدن نهادهای محلی و استانی در توسعه روستایی	افزایش کارایی
شناسایی نیازهای پنهان روستایی	برقراری عدالت
تقسیم قدرت در محل برای توسعه روستایی	مساوات در مدیریت
کاهش فرایند اداری امور توسعه	خلق فرصت‌ها
افزایش قابلیت دسترسی مردم روستایی به خدمات ملی و محلی	رضایت مردم
ارتقای خدمات و ارتقای فرصت‌های خدماتی	کاهش فقر
پاسخگویی سریع و در عمل	کاهش ناراضی‌ها
شفافیت در امر توسعه روستایی	مشاهده از سوی مردم

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، ارتباطات دولت محلی و توسعه روستایی در پانزده گزینه مرتبط می‌تواند بررسی شود؛ به طوری که با اجرایی شدن موضوعات ذیل تلاش برای کارایی بیشتر دولت محلی در گزینه‌های توسعه روستایی به نحوی بارز افزایش می‌یابد و عرصه را برای توانمند کردن سکونتگاه‌های روستایی فراهم می‌آورد. در نتیجه، سکونتگاه‌های روستایی به فضایی بانشاط برای تولیدات کشاورزی تبدیل می‌شود و انگیزه ماندگاری مردم روستایی را در این فضا به شدت افزایش می‌دهد. این امر در نهایت به کاهش فاصله درآمد شهر و روستا می‌انجامد و مهاجرت، به‌منزله مهم‌ترین مسئله سکونتگاه‌های روستایی، را از بین می‌برد.

دولت‌های محلی با هدف رشد و توسعه سکونتگاه‌های روستایی ایجاد می‌شوند و در مناطق فرودست سیاسی به فعالیت‌های عمرانی می‌پردازند. در این زمینه، می‌توان با به‌کارگیری دولت محلی در نقاط روستایی، با هدف توسعه، به اهدافی نظیر کاهش هزینه کارایی با اصلاح دولت محلی، افزایش توانایی مردم در دسترسی به خدمات ضروری، پاسخ به نیازهای مردم در اسرع

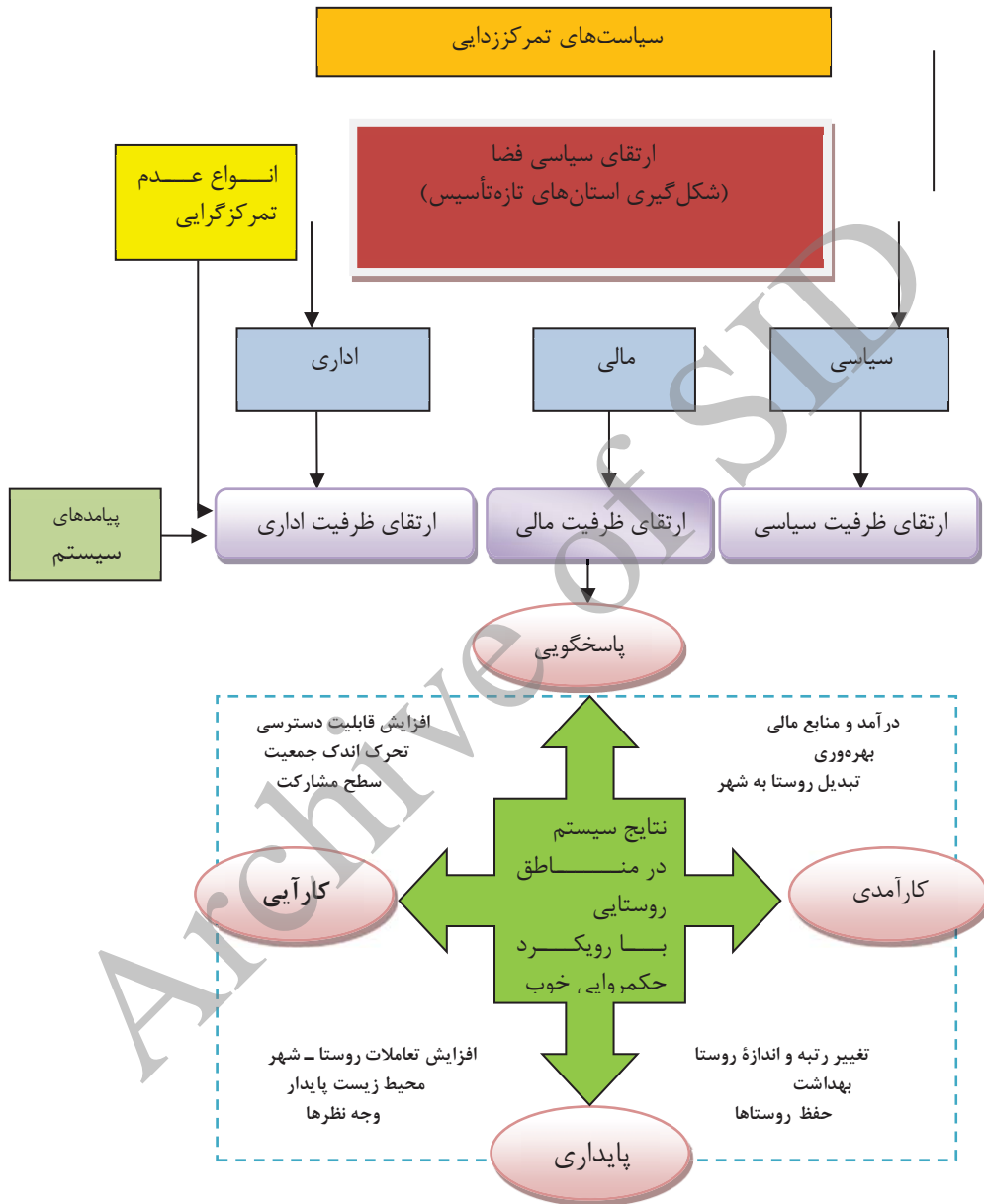
وقت، و ... دست یافت (Jhon, 2001, 1- 19). مصداق دولت محلی و نقش آن در توسعه روستایی در شکل ۲ درج شده است. بر این پایه توان دولت محلی عبارت است از ایجاد تسهیلات، برنامه‌ریزی، اجرا، و پاسخگویی شفاف در عرصه توسعه مناطق روستایی.



شکل ۲. توان‌های دولت محلی

مواد و روش‌ها

براساس مدل مفهومی تحقیق، که تبیین‌کننده نقش ارتقای مدیریت سیاسی فضا از طریق ایجاد استان‌های تازه‌تأسیس در پهنه جغرافیایی کشور است، محققان، با استفاده از روش تحقیق توصیفی و تحلیلی و با بهره‌گیری از رویکرد ترکیبی (کمی و کیفی)، همان‌طور که شکل ۱ نشان می‌دهد، به شناسایی آثار و نیز تغییرات اقتصادی و اجتماعی و کالبدی در مراکز روستایی استان تازه‌تأسیس قزوین اقدام کردند. بدین منظور محققان با بهره‌گیری از گویه‌های تبیین‌کننده اقتصادی و اجتماعی و کالبدی در قالب طیف لیکرت و با بهره‌گیری از روش پانل گذشته‌نگر مبتنی بر سنجش نگرش، در دو دوره قبل و بعد از استان‌شدن، با استفاده از فرمول کوکران و به روش تصادفی طبقه‌ای، پرسش‌نامه‌ها را تکمیل کردند. به‌منظور عملیاتی‌کردن مفهوم نظری فرضیه اول از هشتاد و چهار گویه استفاده شد. گویه‌ها برای پنجاه نفر از مدیران اجرایی استان قزوین در دو مقطع زمانی قبل و بعد از استان‌شدن در قالب گزینه‌های سه طیفی طراحی و تکمیل شد. در بخش اول به گویه‌های تبیین‌کننده نظام تغییرات اداری استان، مشتمل بر چهل و شش گویه، به شرح جدول ۵ توجه شد.



جدول ۵. خلاصه گویه‌های اداری تبیین‌کننده نظام تغییرات اداری استان

عدالت‌محوری	بهبود ظرفیت	مشارکت‌پذیری	کاهش بوروکراسی	توانمندسازی
ارتقای ظرفیت اداری	سطح توسعه روستایی	گردشگری روستایی	میزان مشارکت	تقویت بنیان‌ها

در بخش دوم به گویه‌های تبیین‌کننده نظام تغییرات مالی، مشتمل بر بیست و یک گویه، به شرح جدول ۶ توجه شد.

جدول ۶. خلاصه گویه‌های مالی تبیین‌کننده نظام تغییرات اداری استان

تفویض اختیارات	درآمدسازی	استقلال مالی	کاهش فقر	تخصیص بودجه
خوداتکایی	بهبود زندگی	کفایت مالی پروژه‌ها	حل مشکل اشتغال	مسکن امن

در بخش سوم به گویه‌های تبیین‌کننده نظام تغییرات سیاسی، مشتمل بر هفده گویه، به شرح جدول ۷ توجه شد.

جدول ۷. خلاصه گویه‌های مالی تبیین‌کننده نظام تغییرات اداری استان

مدیریت روستایی	کاهش تمرکززدایی	کاهش انحصار دولتی	تفویض قدرت	رفع موانع سیاسی
آگاهی‌سازی	توزیع مسئولیت‌ها	مشارکت زنان	مدیریت کارآمد	افزایش نظم سیاسی

معرفی منطقه مورد مطالعه

استان قزوین در حوزه مرکزی ایران، بین ۴۸ و ۴۵ درجه و ۴۵ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۵۰ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و ۳۵ درجه و ۲۷ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۴۵ دقیقه عرض شمالی از خط استوا قرار دارد. این استان از شمال به استان‌های مازندران و گیلان، از غرب به استان‌های زنجان و همدان، از جنوب به استان مرکزی، و از شرق به استان تازه‌تأسیس البرز محدود می‌شود. استان قزوین استانی تازه‌تأسیس با سابقه بیش از یک دهه است که قبل از تبدیل شدن به استان در سیر تقسیمات کشوری دگرگونی‌های زیادی کرده است. سابقه این استان در قالب شهرستان قزوین، طبق قانون تقسیمات کشوری، به سال ۱۳۱۶ شمسی بازمی‌گردد. در آن سال شهرستان قزوین تابع استان یکم (مرکزی) و شامل شهرستان‌های زنجان، قزوین، ساوه، سلطان‌آباد، رشت، و شهنسوار بود. در تغییرات بعدی، شهرستان قزوین زیرمجموعه استان زنجان شد و تا سال ۱۳۷۴ تابع این استان بود. با تغییرات سیاسی-اداری در سال ۱۳۷۵ این شهرستان از استان زنجان منفک و تابع شهرستان‌های استان تهران گردید. به تبع تحولات سیاسی در تقسیمات کشوری، با تصویب مجلس شورای اسلامی، استان

تازه‌تأسیس قزوین در سال ۱۳۷۶ در عرصه سیاسی ایران با پنج شهرستان قزوین، بوئین‌زهرا، البرز، تاکستان، و آبیک، مطابق مشخصات جدول ۸، متولد شد.

جدول ۸. مشخصات اداری و سیاسی شهرستان‌های تابعه استان قزوین

شهرستان	تاریخ تأسیس شهرستان	مساحت (کیلومتر مربع)	بخش	شهر	دهستان	تعداد آبادی	دارای سکنه	بدون سکنه
آبیک	۱۳۸۰/۵/۱۳	۱۳۱۸	۲	۲	۵	۱۱۲	۸۹	۲۳
البرز	۱۳۸۳/۱۲/۴	۴۱۶	۲	۴	۴	۳۵	۲۸	۷
بوئین‌زهرا	۱۳۷۵/۱۰/۱۶	۵۶۷۳	۶	۷	۱۴	۳۰۳	۲۴۸	۵۵
تاکستان	۱۳۵۹/۳/۱۵	۲۵۹۱	۴	۵	۹	۱۴۹	۱۳۱	۱۸
قزوین	۱۳۱۶	۵۵۷۰	۵	۷	۱۴	۵۹۵	۴۰۲	۱۹۳
کل استان		۱۵۵۶۸	۱۹	۲۵	۴۶	۱۱۹۴	۸۹۸	۲۶۹

نتیجه‌گیری

اقدامات انجام‌شده در خصوص موضوع تحقیق در داخل کشور محدود است؛ اما خارج از کشور منابع در این زمینه فراوان است. بر این اساس، در مقایسه‌ای کلی، می‌توان اشاره کرد نتایج حاصل از این نوع مطالعه در ایران بیشتر بر جنبه‌های تمرکززدایی سیاسی تأکید دارد؛ بدین مضمون که در تحقیقات داخلی فقط به چگونگی ایجاد شرایط برای تغییر سطوح مدیریت سیاسی فضا توجه شده و به توسعه روستایی توجه چندانی نشده و شاخص‌های آن سنجیده نشده است. اما منابع خارجی ویژگی‌ای خاص دارند و آن اینکه در شاخص‌بندی انواع تمرکززدایی و نیز تأثیر آن در مناطق و سکونتگاه‌های روستایی به موفقیت‌های قابل توجهی رسیده‌اند که نمونه‌های آن را در شاخص‌های مورد سنجش تحقیق حاضر شاهدیم. می‌توان نقطه قوت منابع خارجی را توجه کامل به ابعاد اقتصادی و اجتماعی تمرکززدایی و اثر آن در توسعه روستایی دانست. بر این مبنا تحقیق حاضر با اندازه‌گیری آماری این نوع شاخص‌ها برای اولین بار در ایران به موضوع تمرکززدایی و تأثیر آن در توسعه روستایی پرداخته است. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیات حاکی از تغییرات گسترده بعد اداری تمرکززدایی در

استان قزوین است و نیز بیانگر این مطلب که تغییر سطوح مدیریت سیاسی فضا در قالب شکل‌گیری و ایجاد استان قزوین بیشتر با سیاست‌های تمرکززدایی اداری منطبق است. بر این اساس، با توجه به شقوق اصلی تمرکززدایی اداری و سنجش شاخص‌های آن، میزان تغییرات در این حوزه از منظر کارشناسان و مسئولان محلی تأیید گردید؛ به طوری که با تحلیل آرای پنجاه نفر از اعضای شوراهای اسلامی و دهیاران و بخش‌داران و مقایسه تطبیقی نظرات آنان در دو دوره قبل و بعد از استان‌شدن، در سه مؤلفه اداری و مالی و سیاسی، از طریق آزمون t و تحلیل واریانس خطی در سری‌های زمانی مکرر، متناسب با گویه‌های تبیین‌کننده، نتایج زیر حاصل شد. تحلیل گویه‌های مرتبط با ابعاد اداری و سیاسی و مالی در دوره‌های قبل و بعد از استان‌شدن قزوین متناسب با آزمون t در دو گروه وابسته، طبق جدول ۹، مبین بیشترین تغییرات در بعد اداری است.

جدول ۹. روند تغییرات ابعاد اداری و مالی و سیاسی

سطح معناداری	درجه آزادی	T	تفاوت‌های نمونه‌ها				میانگین	انحراف استاندارد	خطای انحراف از میانگین	مقایسه گویه‌های قبل و بعد از استان‌شدن
			فاصله اطمینان ۹۵ درصد	پایین‌ترین	بالاترین	میانگین				
۰٫۰۰۰	۴۹	۱۸٫۸۲	۴۸٫۵۲	۳۹٫۱۵	۲٫۳۲	۱۶٫۴۷	۴۳٫۸۴	اداری بعد اداری قبل		
۰٫۰۰۰	۴۹	۱۵٫۹۶	۲۰٫۵۸	۱۵٫۹۷	۱٫۱۴	۸٫۰۹	۱۸٫۲۸	مالی بعد مالی قبل		
۰٫۰۰۰	۴۹	۲۲٫۱۰	۱۸٫۴۳	۱۵٫۳۶	۰٫۷۶۴	۵٫۴۰	۱۶٫۹۰	سیاسی بعد سیاسی قبل		

منبع: یافته‌های تحقیق

تحلیل واریانس خطی در سری‌های مکرر، که به مقایسه تطبیقی میانگین تغییرات و روند آن در ابعاد اداری و مالی و سیاسی می‌پردازد، نیز مبین وجود تغییرات در میانگین دوره‌های قبل و بعد است و نیز بیشترین تغییرات را در بعد اداری نشان می‌دهد. در بررسی گویه‌های مدیران اجرایی و در مقایسه دو دوره قبل و بعد از استان‌شدن تغییرات مثبت و کلی ایجاد شده و گویه‌های اداری و مالی و سیاسی به ترتیب بیشترین تغییرات را داشتند. نتایج این تغییرات، که به وسیله آزمون خطی مکرر انجام شده، به شرح جدول ۱۰ است.

جدول ۱۰. آزمون‌های خطی مکرر

آزمون	ارزش	فراوانی	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی	سطح معناداری
Pillai's Trace	۰/۱۹۳	۵/۷۴۵	۲/۰۰۰	۴۸/۰۰۰	۰/۰۰۶
Wilks' Lambda	۰/۸۰۷	۵/۷۴۵	۲/۰۰۰	۴۸/۰۰۰	۰/۰۰۶
Hotelling's Trace	۰/۲۳۹	۵/۷۴۵	۲/۰۰۰	۴۸/۰۰۰	۰/۰۰۶
Roy's Largest Root	۰/۲۳۹	۵/۷۴۵	۲/۰۰۰	۴۸/۰۰۰	۰/۰۰۶

در استنتاجی کلی می‌توان اشاره کرد فرضیه ارائه شده در تحقیق تأیید می‌شود و داده‌های مرتبط با یک‌دیگر همپوشی دارند. فرضیه اول این است که تغییر سطوح مدیریت سیاسی فضا در استان قزوین بیشتر با سیاست‌های تمرکززدایی اداری منطبق است. بر این مبنای داده‌های گروه سوم نیز داده‌های حاصل از گروه اول و دوم را تأیید می‌کند. به بیانی دیگر، با ارتقای سطح مدیریت سیاسی فضا، در قالب اعمال سیاست‌های عدم تمرکزگرایی، از طریق تشکیل ایالت‌ها و استان‌های تازه تأسیس، انتظار می‌رود از اتلاف وقت و سرمایه مردم روستایی جلوگیری شود، تحولات روستایی شتاب گیرد، نیازها و ضرورت‌ها شفاف و به آن‌ها پاسخ داده شود، و رضایتمندی روستاییان افزایش یابد. همچنین یافته‌های نظری تحقیق در تعامل با نتایج تجربی نشان می‌دهد از سال ۱۳۷۶ با تشکیل استان تازه تأسیس قزوین زمینه‌های مناسبی در جهت توسعه اقتصادی و اجتماعی و کالبدی مناطق روستایی فراهم شده است. به نظر می‌رسد با تشکیل و ایجاد استان‌های جدید زمینه‌های مناسبی برای توسعه مناطق روستایی از طریق کاهش روندهای بوروکراتیک، ارائه خدمات بیشتر و با کیفیت بالاتر، مشارکت بیشتر گروه‌های قومی و سیاسی و مذهبی و فرهنگی در تصمیم‌گیری‌ها، ارتقای فرصت‌های بهتر و برابر در سطوح مکانی و فضایی، شکل‌گیری برنامه‌های خلاق و نوآور و سودآورتر در سطوح محلی، افزایش ثبات سیاسی و اتحاد ملی از طریق کنترل بهتر برنامه‌ها در سطوح محلی، تخصیص بهینه منابع کم‌یاب، پاسخ‌گویی بهتر به تقاضاهای محلی با هزینه کمتر، و افزایش توان بخش خصوصی و مشارکت فعال‌تر فراهم می‌گردد.

برآیند رشد کمی عملکرد نهادها و دستگاه‌های اجرایی با شکل‌گیری شهرستان‌ها و شهرهای تازه تأسیس از یک شهرستان به پنج شهرستان و از ده شهر به بیست و چهار شهر در دوره‌ای ده‌ساله و نیز روند تبدیل روستاها به شهرها از چهار روستا به چهارده روستا در شکل‌گیری روند توسعه روستایی استان مؤثر بوده است. یافته‌های تجربی نشان می‌دهد در کلیه

زمینه‌های اداری و سیاسی و مالی روند تغییرات مناطق روستایی از دیدگاه جامعه نمونه مثبت و با کاهش مؤلفه‌های منفی همراه بوده است. در نهایت، باید خاطر نشان کرد شکل‌گیری و ایجاد استان‌های جدید اگرچه به صورت تفویض قدرت و واگذاری اختیارات در قالب دولت‌های محلی صورت پذیرفته و فقط شاهد تمرکززدایی اداری و مالی در سطح استانی بوده‌ایم، به نظر می‌رسد این حرکت گامی اساسی در کاهش حضور دولت در سطوح محلی است و توانسته آثار معناداری در سطح مناطق روستایی استان به‌وجود آورد.

منابع

- آسایش، حسین، ۱۳۷۴، اصول و روش‌های برنامه‌ریزی روستایی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- بدری، سید علی، کریمی، بهرام، سلمانی، محمد، قدیری معصوم، مجتبی، ۱۳۹۱، ارزیابی تأثیر ارتقای روستاها به شهر در توسعه مناطق روستایی از دیدگاه مردم محلی، فصلنامه پژوهش‌های روستایی دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، احمدی‌پور، زهرا، قادری حاجت، مصطفی، ۱۳۸۹، سیاست و فضا، تهران، پژوهشکده امیرکبیر.
- رضوانی، محمدرضا، منصوریان، حسین، احمدی، فاطمه، ۱۳۸۹، ارتقای روستاها به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی، مورد مطالعه: شهرهای فیروزآباد و صاحب، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران.
- شاطریان، محسن، گنجی‌پور، محمود، ۱۳۸۹، تأثیرات سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در توانمندسازی روستاها، مورد مطالعه: ابوزیدآباد کاشان، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران.
- شکویی، حسین، ۱۳۷۴، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، چاپ دوم، تهران، سمت.
- گرگی ازندریانی، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، چشم‌انداز تمرکززدایی در بستر شورای اسلامی، فصلنامه پژوهش، پیش شماره دوم.

- Andrew, N. Parker, 2005, **Decentralization the way forward for rural development.**
- Awal, hossain, 1977, **Administrative decentralization**, a framework for Discussion University of Rag shah, Bangladesh.
- Clarify the effects of decentralization policies in the development of rural settlements
- Cohen, M. John and Stephen B. Peterson, 1990, **Administrative decentralization.**
- Dennis .A. Rondinelli and Park, triangle, 2009, **over view of developing country sid,**

- Office for International ProqraasResearch Triangle nstitute.
- Dennis A. Rondinelli, 2000, **Analysing Decentralization Policies in Developing Countries: a Political-Economy Framework.**
- Henry. P. Minis, 2009, **Decentralization and Democratic Local Governance Programming,** Research Triangle Institute, Systems Management in American and European Space.
- Jacob Massuanganhe, 2005, **Decentralization and district development.**
- Johannes Jütting, Céline Kauffmann, Ida Mc Donnell Holger Osterrieder, Nicolas Pinaud and Lucia Wegner, 2005, **Decentralization and poverty in developing countries exploring the impact.**
- John, Ashcroft, 2001, **The role of government in community safety,** Prepared by the International Centre for the Prevention of Crime U.S. Department of Justice.
- Paul smoke, 2003, **Decentralisation in africa: goals, dimensions, myths, and challenges,** New York University, New York, USA.
- Phyllis M. Kodi, 2006, **The role of decentralization and integrated rural development in Ghanas development.**
- Suzanne, 2004, **Decentralization key Issues Major Trends and Future developments.**
- World Bank, 2001, **Decentralization and governance, doe's decentralization improve public service.**

Explore the Effects of Decentralization Policies in Developing Rural Settlement (Case Study: Qazvin Province)

Valiollah Nazari¹

Assistant Professor of Islamic Azad University of Qazvin

Mohammad Gholami

Teacher of Geography PNU Lamerd

(Received: 15 Sep. 2012 Accepted: 18 May 2013)

Expanded Abstract

Introduction

Population growth and immigration are major causes of the most social changes in rural areas. Accordingly, political change in a country is inevitable. So, this issue of Iran's rural settlements adopted and evolves. The rural habitations with population changes, the intensity of the positive effects of decentralization are receiving. Your changes have been noted as being the basis for the development of rural settlements. The villages and rural settlements are always in transition. Rural settlements have always been the mainstream of economic and social developments and during historical areas have experienced different geographical ups and downs in the country which is a result of local and metropolitan planning. The discussion on the development of rural settlements is directly dependant to severability of programs and strategies, hence we should specify which one of the possible consequences of the development policies are positive; And because the of rural planning pattern is based on national and macro policies, therefore it should be pointed out that the patterns of service delivery as well as the strategies of the countries planning are divided into two categories of centralized and decentralized. Centralized category is focused on top-down policies and policies in a diverse decentralized fashion of the patterns.

Methodology

On the basis of this strategic, planning model is more operational and applicable in Iran that their position in checking a program includes countless flaws. Such flaws, are more obvious in the system of service to the villages. Flaws of type in planning cause damages to social and economical fields of countryside. As well as genesis and formation of new provinces in Iran, due to population growth and its concentration in specific cities, also due to lack of services, there will be deprivation. Discussed long-term deprivation provides, the most severe negative consequences on the body of society and causes deterioration of the

¹ Responsible Author: nazari1392@iran.ir

rural settlement. Their national and regional imbalances and the lack of justice in the provinces lead to physical and service damages.

Results

On this basis, Qazvin province, in 1997, was born in Iran's political map with focus policies applied in the form of tools to formation of the new province. On one hand, it shows assignment of authorities of local powers, and on the other hand provides the creation of opportunities and also evokes the openings of small parts for the following new provincial divisions to be able to use these opportunities in order to strengthen the foundations of rural productivity increase. With these premises and the theory, library also field studies, this article is willing to focus on explaining the policies of rural settlements aids Qazvin province and has tried to answer this fundamental question that the basic policies of the decentralization of country's center in the form of a new province (Qazvin) provides what positive effects in the rural settlements in a way that the positive consequences of raising the quality of rural people's life in the province have been positive effects and lead to a major qualitative and quantitative changes. Therefore, the order of present study utilizes a triple conversation (political, administrative and financial) in the form of a variety of Likert scope and utilizes a retrospective panel-based measurement method for two periods before and after becoming a province and with the use of random sampling with Cochran formula class. Desired information has been collected and been analyzed. The information obtained from three levels of administrators, and village councils and Islamic communities of 45 village is done by questionnaire techniques in Qazvin province and has been reviewed by with T-tests and time series. It has been expressing various aspects of major developments in the trilogy after the province creation so raised positive effects and progress to villages and people to the extent of the benefit of services provided. It is worth noting that the political focus promotion is not fully executable but has been able to provide groundwork to increased development.

Conclusion

While trying to protect and sustain this kind of political changes in the province atmosphere, the main obstacles of social and political phenomenon is studied. In the future, efficiency and equity objectives may spread in all geographical areas. Such programs are an approach to develop villages and increase people satisfaction in out of reach areas.

Keywords: creating new opportunities for rural, decentralization policies, Qazvin province, rural settlement.

References

- Andrew, N. Parker (2005). **Decentralization the way forward for rural development.**
- Asayesh, Hossein (1995). **Principles and Methods of Rural Planning,** Tehran, Payam Noor University
- Awal, Hossain (1977). **Administrative decentralization, a framework for Discussion** University of Rag Shah, Bangladesh.

- Badri, Ali; Karimi, B.; Barber, M.; Ghadiri, M. Masoom (2012). **Impact assessment of rural development in local rural development perspective**, Journal of Rural Studies Geography Faculty of Tehran University.
- Cohen, M. John; Stephen; B. Peterson (1990). **Administrative decentralization**.
- Dennis, A. Rondinelli (2000). **Analysing Decentralization Policies in Developing Countries: a Political-Economy Framework**.
- Dennis, A Rondinelli; Park, Triangle (2009). **Over view of developing country sid**, Office for International Proqra as Research Triangle Institute.
- Georgi, Azndryany, A.A. (1998). **In the context of Council deconcentration perspective**, Journal of Research, the second number.
- Jacob, Massuanganhe (2005). **Decentralization and District Development**.
- John, Ashcroft (2001). **The role of government in community safety**, Prepared by the International Centre for the Prevention of Crime U.S. Department of Justice.E.
- Johannes Jütting, Céline Kauffmann, Ida Mc Donnell Holger Osterrieder, Nicolas Pinaud and Lucia Wegner (2005). **Decentralization and poverty in developing countries exploring the impact**.
- Jutting, J. Corsi (2005). **Decentralization and Poverty Reduction**, OECD Development Centre Policy.
- Henry, P. Minis, (2009). **Decentralization and Democratic Local Governance Programming**. Research Triangle Institute, Systems Management in- American and European Space.
- Hafez, M.; Ahmad Pour, Z.; Toilet, M. (2010). **Politics and space, printing**, Tehran, Amir Kabir Institute.
- Phyllis, M. Kodi (2006). **The role of decentralization and integrated rural development in Ghanas development**.
- Rezvani, Mohammad Reza; Mansourian, Hossein; Ahmadi, F. (2010). **Improving the quality of life of rural and urban residents, Firuz Abad cities and the case study**, Journal of Rural Studies Geography Faculty of Tehran University
- Shatryan, M.; Ganji, M. Mahmoud (2010). **The impact of investments in empowering rural development, case study Abuzeydabad Kashan**, Journal of Rural Studies Geography Faculty of Tehran University.
- Shakoei, Hossein (1995). **New perspectives in urban geography**, Tehran, the publisher, Second Editi 17.
- Suzanne, Piriou-sall; Lidija R. Basta (2004). **Decentralization key Issues Major Trends and Future developments**.
- World Bank (2001). **Decentralization and governance, Doe's decentralization improve public service**.